

تأثیر ناامنی هویتی ملی بر گسترش نئوتروریسم در خاورمیانه با تأکید بر کشور عراق^۱

امیر حشمتی^۲

علیرضا رضایی^{۳*}

قاسم ترابی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۲

۳۱



چکیده

در عصر حاضر، همچنان نئوتروریسم مهم‌ترین عامل شکل‌گیری ناامنی در نقاط مختلف خاورمیانه است. طی سالیان گذشته پژوهش‌های متنوعی با موضوع شناسایی دلایل شکل‌گیری و تشریح اشکال و ابعاد تروریسم انجام شده اما پژوهش‌ها و اقدامات موجود برای مهار تروریسم، همچنان از ورود به موضوع ناامنی هویتی کم بهره بوده‌اند. پژوهش حاضر به روش کیفی و با رویکرد توصیفی و تحلیلی به دنبال یافتن پاسخ این سوال است که؛ ناامنی هویتی ملی چه تأثیری بر گسترش نئوتروریسم در خاورمیانه داشته است؟ به نظر می‌رسد؛ به دلیل نقش بنیادین هویت به‌ویژه هویت «مذهبی» در طراحی پلان‌های هویتی در خاورمیانه، میان ناامنی هویتی، خلل در استمرار روایت‌های مذهبی و گسترش نئوتروریسم رابطه مهمی برقرار است. برای آزمایش این فرضیه، کشور عراق به عنوان عرصه پژوهش انتخاب شده است. این رابطه بیان می‌دارد که انتخاب گزینشی اجزاء روایت بیوگرافیک و ره‌گیری مطلق آن توسط کنشگران مذهبی در داخل عراق، ضمن ایجاد ناامنی هویتی، موجب آغاز یا تشدید اضطراب ناشی از شرم در باور و رفتار بازیگران داخلی، ره‌گیری سیاست کسب شرافت و در اثری به‌نظر ناخواسته، سبب گسترش نئوتروریسم در عراق شده است.

واژگان کلیدی: نئوتروریسم، امنیت هستی‌شناختی، خاورمیانه، عراق

۱. این مقاله مستخرج از رساله‌ی دکتری دانشجو و طرح پژوهشی شماره ۹۷۰۰۷۳۷۸ «صندوق حمایت از پژوهشگران و فن‌آوران کشور» ارائه شده است.

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

۳. دانشیار روابط بین‌الملل و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

* نویسنده مسئول: ir.alirezarezaei@gmail.com

مقدمه

هرچند مردمان در جهان امروز، کمتر شاهد جنگ‌های مستقیم بین‌الدولی هستند، اما «مسئله تروریسم» به‌ویژه از دو مقطع حوادث یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی به بعد و نیز اعلام موجودیت دولت اسلامی عراق و شام، به‌عنوان یک نگرانی فزاینده امنیتی، موجب افزایش تنش و برخورد در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی شده است.

در این میان خاورمیانه بیشترین آسیب‌های امنیتی را متحمل شده است. تقریباً خاستگاه تشکیلاتی و عملیاتی تمام گروه‌های مهم تروریستی فعلی نظیر طالبان، القاعده، داعش، جبهه النصره، جبهه اسلامی سوریه، جیش الاسلام، الشباب و جیش الفتح، کشورهای خاورمیانه بوده است. کشته، مجروح و آواره شدن میلیون‌ها نفر در منطقه و تحمیل چالش‌های عظیم در حوزه‌های نظامی و امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی از جمله تبعات شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های نوظهور است. تروریسم نوین، که من آن را بنا به دلایلی که بعداً خواهم گفت، «نئوتروریسم» می‌نامم، برخی دولت‌های خاورمیانه را در تأثیرات حداقلی با بی‌ثباتی و در تبعات حداکثری با امکان فروپاشی روبرو ساخت.

از میان دولت‌های درگیر، کشور عراق یکی از مهم‌ترین عرصه‌های شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های نئوتروریستی به‌ویژه داعش بوده است. هرچند پایان سیطره داعش بر بسیاری از مناطق عراق و سوریه اعلام شده است، اما کوچ این گروه‌ها به نقاط دیگر از خاورمیانه و یا احتمال احیای فعالیت‌ها در مناطق شکل‌گیری، ایجاب می‌کند تا پژوهشگران روابط بین‌الملل با بررسی دلایل ناکامی یا کم‌کامی تلاش‌های گذشته و موجود برای کنترل تروریسم، از دریچه‌های جدید موضوع را بررسی و در تکمیل یافته‌های قبلی همت گمارند.

منظور از دریچه‌ی جدید در این پژوهش، «امنیت هستی‌شناختی» است. اساساً نقش بی‌بدیل هویت در نئوتروریسم، ریشه‌یابی آن را از طریق امنیت هستی‌شناختی اجتناب‌ناپذیر می‌کند. برای شناسایی امنیت هستی‌شناختی می‌بایست ناامنی هویتی را تبیین کرد. همانطور که برای نیل به استقرار صلح، عوامل پیدایش جنگ را تبیین

می‌نمایند. از این رو، این مقاله می‌کوشد به این با تبیین اثر ناامنی هویتی در عراق به عنوان متغیر مستقل بر رشد و گسترش نئوتروریسم به عنوان متغیر وابسته، دریچه‌ی جدیدی در حوزه ادبیات علمی تروریسم ایجاد نماید. البته تأثیر ناامنی هویتی بر سه سطح ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، موضوع رساله دکتری نویسنده اول و طرح پژوهشی وی در صندوق پژوهشگران و فناوران کشور بوده که مقاله حاضر منعکس کننده ضلع اول آن پژوهش است.

به نظر می‌رسد؛ به دلیل نقش بنیادین «مذهب» در ساخت هویتی ملت در خاورمیانه، میان ناامنی هویتی و خلل در استمرار روایت‌های مذهبی رابطه مهمی برقرار است. این رابطه بیان می‌دارد که انتخاب گزینشی اجزاء روایت بیوگرافیک و ره‌گیری مطلق آن توسط کنشگران مذهبی در داخل عراق، ضمن ایجاد ناامنی هویتی، موجب آغاز یا تشدید اضطراب ناشی از شرم در باور و رفتار بازیگران داخلی، ره‌گیری سیاست کسب شرافت و در اثری به نظر ناخواسته، سبب گسترش نئوتروریسم در عراق شده است.

لازم است در مسیر آزمایش فرضیه بیان شده، ضمن ارائه تعریفی مختصر از نئوتروریسم، چارچوب نظری مقاله حاضر را بر بنای امنیت هستی‌شناختی معرفی و اثر ناامنی هویتی ملی را بر گسترش نئوتروریسم در عراق بررسی کرد.

۱. ادبیات تحقیق

پیرامون تروریسم، پژوهش‌های متنوع و متعددی صورت گرفته است. بخشی از این پژوهش‌ها در قالب مرجع‌نگاری انجام شده است. بدین معنا که با تدوین دانشنامه فعالیت‌های تروریستی، امکان دسترسی محققین به اطلاعات تاریخی و شکلی پیرامون تروریسم فراهم شده است. از جمله کتاب‌های مرجع، کتاب الکس پی اشمید، با عنوان: "دفترچه راهنمای تحقیقات تروریسم"؛ اثری در خور توجه است. این کتاب نشان‌دهنده آخرین یافته‌های تحلیلی و منابع مرجع در مورد مطالعات تروریسم و مبارزه با تروریسم است. اشمید در این اثر بیشتر از تحقیقات تجربی مبتنی بر شواهد، مانند جمع‌آوری بیوگرافی فعالان

1. Alex P. Schmid, "The Routledge Handbook of Terrorism Research", ed. Alex Schmid (London and New York: Routledge, 2011).

تروریستی، به منظور ایجاد بینش نسبت به نوع تروریست‌ها بهره می‌برد. نویسنده، تروریسم را جنگ در سایه‌ها توصیف می‌کند و این ویژگی را موجب سختی ختنی کردن تلاش‌های تروریستی می‌داند.

دفتر مطالعات بین‌المللی تروریسم وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی نیز در اثری مرجع و ارزشمند با نام «کتاب‌شناسی تفصیلی تروریسم»، خلاصه‌ای از محتوای حدود یک هزار کتاب فارسی و انگلیسی موجود در ایران در حوزه تروریسم را به مخاطبان ارائه داده است.

بخش دیگری از پژوهش‌ها به دنبال یافتن تفاوت‌های میان تروریسم در ادوار مختلف تاریخی هستند. در همین زمینه، جفری کاپلان در کتابی با نام «گروه‌های تروریستی و نژاد جدید: پنجمین تروریسم»، سعی می‌کند ضمن تشریح چهار موج تاریخ تروریسم، موج پنجم و مدرن را بررسی نماید. وی تبیین می‌کند که چگونه یک گروه جدید شورشی برای ایجاد «موج پنجم» تروریسم مدرن، که نویسنده از آن به‌عنوان «نژاد جدید» نام برده، ظهور کرده است. گروه‌های تروریستی که موج پنجم را تشکیل می‌دهند، تمایلات و تاکتیک‌های مشابهی دارند که نویسنده آن را «موضع‌گرائی رادیکال، قبیله‌گرایی و افراط‌گرایی» توصیف می‌کند.

یکی از مقالات معروف در دسته‌بندی امواج تروریسم، مقاله دیوید راپورت با عنوان چهار موج ترور مدرن: ابعاد و پیامدهای بین‌المللی است. بر اساس این مقاله؛ اولین موج تروریسم که به موج آنارشستی معروف است، در دهه ۱۸۸۰ شروع شد و به‌مدت چهل سال ادامه پیدا کرد. به‌دنبال آن و در دهه ۱۹۲۰، موج ضداستعماری شروع شد و در دهه ۱۹۶۰ از بین رفت. اواخر دهه ۱۹۶۰، موج چپ جدید متولد شد و تقریباً تا دهه ۱۹۹۰ به‌طور لجام‌گسیخته‌ای ادامه یافت و هنوز هم در بعضی از کشورها از قبیل

۱. بی نام، (۱۳۸۳). کتاب‌شناسی تفصیلی تروریسم، تهران: دفتر مطالعات بین‌المللی مبارزه با تروریسم دانشگاه آزاد اسلامی.

2. Jeffrey Kaplan, "Terrorist Groups and the New Tribalism: Terrorism's Fifth Wave". London: Routledge, 2010.

3. Rapaport, David C. (2004). The four waves of modern terror: International dimensions and consequences. Available from:

https://www.researchgate.net/publication/286896869_The_four_waves_of_modern_terror_International_dimensions_and_consequences

سریلانکا، اسپانیا، پرو و کلمبیا گروه‌هایی از آن فعال است. چهارمین موج یا موج مذهبی، از اواخر دهه ۱۹۷۰ شروع شد و اگر دنباله‌ای از امواج قبلی در نظر گرفته شود، هنوز هم ادامه دارد (Rapaport, 2004: 47).

اثر بعدی با نام «تروریسم، هویت و قاعده: نظریه چهار موج خشونت سیاسی»^۱، به قلم جان روزنفلد سعی در تکمیل مفهوم چهار موج تاریخی تروریسم دیوید رپاپورت دارد. گسترش خشونت‌های سیاسی، نقش دین در هدایت تروریسم و خشونت، ارتباط بین تکنولوژی و جنگ‌های تروریستی و روند آینده از جمله بخش‌های این کتاب است. پژوهش‌های متعدد و متنوع دیگری به‌ویژه به زبان انگلیسی سعی در ارائه بیوگرافی و اطلاعات مبسوطی در مورد گروه‌های تروریستی داشته‌اند. اما در میان آثار موجود، پژوهش‌های بررسی‌کننده تروریسم از منظر امنیت‌هستی‌شناختی محدود هستند. البته پیش‌تر نگارنده این سطور در مقاله‌ای با نام تأثیر ناامنی هویتی بر گسترش نئوتروریسم در خاورمیانه با تأکید بر ایران و عربستان^۲، موضوع ناامنی هویتی را در رقابت‌های منطقه‌ای دو کشور ایران و عربستان و تأثیر آن بر گسترش نئوتروریسم بررسی کرده است، اما مقاله حاضر در سطحی متفاوت، رقابت‌ها را درون یک کشور -عراق به عنوان عرصه آزمایش فرضیه- از منظر امنیت‌هستی‌شناختی و تأثیر آن بر گسترش نئوتروریسم بررسی می‌کند.

۲. نئوتروریسم

پیش‌تر گفته شد که تروریسم امروزی به‌صورت بسیار مشهود و معناداری با مسأله هویت و ناامنی هویتی در ارتباط است. از این رو می‌توان مفهوم نوینی از تروریسم با پایه هویت و با نام نئوتروریسم تعریف کرد. اصرار من بر استخدام این واژه به‌جای «تروریسم»، ناشی از تفاوتی است که میان مدل تروریسم یازده سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی به بعد با گونه‌های قبلی آن وجود دارد.

1. Jean E. Rosenfeld , "Terrorism, Identity and Legitimacy: The Four Waves Theory and Political Violence". New York, NY: Routledge, 2011.

۲. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۲، شماره ۴۵، بهار ۱۳۹۸، صفحات ۶۱-۹۳.

نئوتروریسم برخواسته از تحولاتی در روش، انگیزه، اهداف، ساختار سازمانی، ابزار و جغرافیای تروریسم قدیم بوده و مهمترین ویژگی آن، وجود نمادها و اهداف هویتی با مضمون هویت دینی در مناطق اسلامی است. «هویت» در همه شئون نئوتروریسم یعنی انگیزه، اقدامات، اهداف یا قربانیان، ساختار، ابزار و جغرافیا جاری است.

انگیزه در تروریسم قدیم، بیشتر حول محورهایی مانند پیشرفت، مبارزه با استعمار، ملی‌گرایی و تمایلات جدایی‌خواهانه بود و در نئوتروریسم انگیزه‌ها عموماً هویتی هستند، مانند تمایلات مذهبی و رستگاری. در حالی که اقدامات در تروریسم قدیم اغلب شامل اهداف نظامی، هوایماری و آدم‌ربایی بود، تروریسم نوین یا نئوتروریسم عمدتاً شامل اقدامات انتحاری، قتل‌های فجیع و دسته‌جمعی است.

قربانیان تروریسم قدیم، انتخابی و از میان مؤثرین بوده است اما در نئوتروریسم، بیشتر قربانیان، فله‌ای و بی‌قاعده انتخاب می‌شوند. ساختار سازمانی تروریسم قدیم هرمی و دستوری و ساختار سازمان‌دهنده نئوتروریسم شبکه‌ای و غیردستوری است. بدین معنا که هر تروریست یا گروه کوچک تروریستی، می‌تواند بدون اخذ دستور موردی، اقدام به ترور نماید. ابزار تروریسم قدیم اغلب اسلحه اما ابزار نئوتروریسم، متنوع، ابتکاری و متعدد است. جغرافیای تروریسم قدیم بیشتر درون کشوری و عرصه نئوتروریسم عمدتاً منطقه‌ای و در مواردی جهانی است (رضایی و حشمتی، ۱۳۹۵: ۶۰-۵۳).

قدرت فراگیری و اثرگذاری نئوتروریسم با تروریسم قابل مقایسه نیست. اگر تروریسم یک دولت و درنهایت چند دولت را در یک مقطع با تهدیدات محدود روبه‌رو می‌کرد، نئوتروریسم دولت‌های خاورمیانه را با تهدیدات اساسی و دولت‌های فرامنطقه‌ای را با نگرانی‌های فزاینده مواجه ساخته است. هیچ کدام از امواج قبلی تروریسم منجر به شکل‌گیری ائتلاف‌های گسترده منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نشده بود، حال آنکه نئوتروریسم، منجر به تشکیل ده‌ها نشست بین‌المللی و اقدامات عملی کشورهای ایران، عراق، سوریه، روسیه، عربستان، ترکیه و ایالات متحده آمریکا در قالب ایجاد ائتلاف‌های بین‌المللی هرچند غیر همسو شد.

تقریباً همه اقدامات فردی و گروهی نئوتروریست‌ها، متأثر از یک مرام‌نامه ورودی و دارای یک بیانیه خروجی است. «خواسته‌های هویتی» و دقیق‌تر، «ناامنی هویتی»؛ پارادایم

ثابت مرام‌نامه‌های ورودی و بیانیه‌های خروجی در نئوتروریسم است. در تروریسم، خواسته‌های مادی حداقل در ظاهر بیانیه‌ها برتری دارد. از جمله جدایی طلبی، استقلال طلبی، ثروت یا قدرت طلبی. اما سخن نئوتروریسم یک دغدغه یعنی انحراف بزرگ از دین واقعی است. راه حل نئوتروریسم؛ بازگشت به اسلام سلف از طریق برپایی دولت واقعی اسلامی است.

۳. مبانی نظری

باتوجه به قرابت نئوتروریسم با مقوله هویت و ناامنی هویتی، قاعدتاً نظریاتی در تحلیل نئوتروریسم موثرتر هستند که مقوله هویت را در طرحواره تبیینی خود مبنا قرار دهند. در میان نظریات متنوع در روابط بین‌الملل، نظریه امنیت هستی‌شناختی بیشترین پرداخت به مقوله هویت را داشته است. اقداماتی که ریشه آن؛ روی دیگر سکه امنیت هستی‌شناختی یعنی نئوتروریست‌ها است. اقداماتی که ریشه آن؛ روی دیگر سکه امنیت هستی‌شناختی یعنی ناامنی هویتی است. به همین دلیل تشریح امنیت‌هستی‌شناختی و توصیف ناامنی هویتی را می‌توان در یک چارچوب نظری و وابسته به هم دید.

۳-۱. امنیت هستی‌شناختی

«آنتونی گیدنز» نظریه‌پرداز مطرح و مؤثر بریتانیایی مفهوم امنیت هستی‌شناختی را این‌گونه تعریف می‌کند: «اطمینان خاطری که اکثر انسان‌ها در تداوم هویت‌شان و در تداوم اجتماع پیرامونشان و محیط مادی عملشان احساس می‌کنند...» (Giddens, 1991:243). گیدنز با تمرکز بر مسأله هویت، ضمن بررسی ابعاد نیازهای غیرمادی آدمی، اهمیت این نیازها را مساوی و بعضاً مهم‌تر از نیازهای مادی تفسیر کرده است. اساساً هسته امنیت هستی‌شناختی، هویت است. تعاریف متعدد و متنوعی از هویت ارائه شده است، در میان تعاریف متنوع، ژاکوبسون می‌گوید: «هویت عبارت است از احساس تمایز شخصی، احساس تداوم شخصی و احساس استقلال شخصی» (Jacobson, 1998:9). استمرار این احساس را می‌توان امنیت هویت نامید.

1. Anthony Giddens
2. Self identity

امنیت هستی شناختی؛ حفظ روایت بیوگرافیک با هدف تکریم کیستی و در نتیجه احساس شرافت است. «روایت بیوگرافیک داستان یا داستان‌هایی هستند که از طریق آن‌ها، هویت و کیستی به صورت متاملانه از طرف فرد مربوطه یا دیگران درک و فهم شود» (Giddens, 1991:243).

روایت‌ها معنای حوادث را تعیین و تبیین می‌کنند. کنشگر علاقمند است که روایتش یعنی؛ عنصر شکل دهنده به هویتش را پیوسته و ایمن از دگرذیسی ببیند. به بیان دیگر دارای امنیت هستی‌شناختی باشد. امنیت هویت آنقدر حیاتی است که حتی بر سطوح کارکردی مادی کنشگر نیز اثرگذار است. «نیروی محرکه وجود فیزیکی و احتیاجات اجتماعی، امنیت هویت در طول زمان است» (Steele, 2008:2).

لازمه پاس‌داشت امنیت هویت، درک هویت یا فهم روایت بیوگرافیک توسط «دیگران» است. در اینجا «دیگران» ممکن است سطح همسو یا سطح غیرهمسو باشد. اگر سطح را معادل یکی از گستره‌های فرد، گروه، دولت، منطقه و فرامنطقه بدانیم؛ منظور از واژه‌های ابتکاری سطح همسو و سطح غیرهمسو، به ترتیب؛ سطح دارای هویت و خواسته‌های نسبتاً مشترک و سطح دارای هویت و خواسته‌های متفاوت و متعارض نسبت به سطح هدف است. به بیان دیگر؛ سطح هدف معمولاً نسبت به سطح همسو، رابطه وابستگی، همکاری یا تسلط دارد و نسبت به سطح غیر همسو رابطه تعارض یا دشمنی دارد (رضایی و حشمتی، ۱۳۹۸:ش:۶۸).

پذیرش و تکریم هویت، موضوع شرافت او به نوعی انگیزه امنیت هستی‌شناختی است. از نظر برخی شرافت می‌تواند دنباله خودپسندی فردی باشد و در راستای نفع کارگزار قرار بگیرد. به بیان دیگر؛ کارگزار با اقدام شرافت‌مندانه، شهرت و اعتباری به مانند پول به دست آورده و هزینه می‌کند تا منافع بقا محور خویش را تضمین کند. اما شرافت می‌تواند خطرناک نیز باشد. زیرا دولت‌هایی که به انگیزه شرافت عمل می‌کنند، می‌توانند با پیگیری اقدامات نابایست و اشتباه، بقای خویش را به خطر اندازند (استیل، ۱۳۹۲:ش: ۶۵).

اونیل مدعی است که شرافت در کنار افراد به گروه‌ها نیز تعلق می‌گیرد و ممکن است لازمه حفظ شرافت، پذیرش ریسک فیزیکی باشد (O'Neill, 2001:87-88).

نوشتارهای بالا، امنیت هستی‌شناختی را ترسیم کردند. اما این یک روی سکه است. نبود امنیت‌هستی‌شناختی، ناامنی هویتی تولید می‌کند. همان ناامنی که بنا بر فرضیه این مقاله عامل گسترش نئوتروریسم است.

۳-۲. ناامنی هویتی

خداش‌دار شدن امنیت هستی‌شناختی منتهی به تولید ناامنی هویتی و بر اساس فرضیه این مقاله، ناامنی هویتی منجر به گسترش نئوتروریسم می‌گردد. ناامنی هستی‌شناختی بروز پاد روایت با هدف تهدید کیستی و در نتیجه احساس یا ترس از شرم است. کنشگر مضطرب است که روایتش یعنی؛ عنصر شکل دهنده به هویتش در معرض تهدید قرار گیرد. به بیان دیگر دچار تهدید کیستی و به‌تنگنا رفتن هویت شود.

«گیدنز» معتقد است؛ وقتی کنش‌های روایت شده دولت، دیگر بازتاب تصویر از خود نیست، روال‌های عادی نقض شده و «شرم» ایجاد می‌شود. شرم را می‌توان احساس ناامنی نسبت به مسائل هویتی (Giddens, 1991:65) تعریف به شرم گذشته‌نگر و آینده‌نگر (Steele, 2008:55) تقسیم کرد.

اما شرم نقطه پایانی ناامنی هویتی نیست، چرا که «شرم ریشه‌های عزت نفس را تکان می‌دهد» (Giddens, 1984:55). بنابراین می‌تواند جرقه آغازین کوشش برای کسب مجدد امنیت هویت باشد. کوششی اجتناب‌ناپذیر که بر اساس مفاهیم امنیت فیزیکی قابل توجیه نیست. «شرم به منزله استعاره‌ای برای فهم این امر است که چگونه گسست‌های هویتی می‌توانند دولت‌ها را وادارد تا کنش‌های اجتماعی را به زیان منافع امنیت فیزیکی دنبال و در عین حال امنیت وجود را تقویت کنند.» (Steele, 2008:3). البته اقدامات دولت‌ها می‌تواند در قالب کنش یا ترک کنش صورت گیرد. به همین دلیل نباید از اهمیت ترک کنش برای تقویت امنیت وجودی غافل شد.

ناامنی هویتی می‌تواند در سطوح مختلفی نظیر فردی، گروهی یا دولتی البته در سطح متناسب بروز کند. بدان معنا که ناامنی هویتی فردی میان یک فرد با دیگران در سطوح فردی شکل می‌گیرد و ناامنی هویتی گروهی میان گروهی با دیگران یعنی گروه‌های دیگران ایجاد می‌شود. این دو مدل ناامنی، منتهی به شکل‌گیری ناامنی هویتی ملی می‌شود. ملت متشکل از افراد و گروه‌ها است. گروه‌ها می‌توانند سیاسی، مذهبی، اقتصادی یا اجتماعی باشند.

۴. ناامنی هویتی ملی

منظور مقاله از «ناامنی هویتی ملی»، برآیندی از ناامنی هویتی است که ریشه‌های آن از عواملی در درون یک کشور یا به عبارت دیگر در درون یک دولت - ملت متأثر می‌گردد. باتوجه به اینکه در درون دولت - ملت‌های خاورمیانه همچنان موضوع هویت محور «مذهب» یکی از مهم‌ترین عامل تنش‌ها و رقابت‌های درون کشوری محسوب می‌گردد، از این‌رو و در این پژوهش، برای بررسی عوامل ملی گسترش نئوتروریسم به نقش روایت‌ها، تضادها و تعارضات مذهبی (غالباً سنی - شیعه) پرداخته می‌شود. روایت‌های متهمی به تعارضی که در سال‌های متمادی، از متون مذهبی و دینی سربرآورده و گاه در عرصه حکمرانی و سیاست و حتی صف‌کشی‌های خیابانی به نمایش گذاشته شده و گاه بر اساس فرضیه حاضر، زمینه‌ای شده است برای گسترش نئوتروریسم.

البته جدال هویتی در کشورهای منطقه، در برخی زمان‌ها و مکان‌ها اشکال دیگری مانند: جدال هویتی نژاد (کرد و عرب) یا جدال روایتی سنت (دین) و مدرنیته نیز به خود گرفته است. اما به نظر می‌رسد، تضادهای روایتی مذهبی تأثیر عمیق‌تری بر گسترش نئوتروریسم داشته است. از این‌رو و در ادامه، روایت‌ها و پاد روایت‌های مذهبی زمینه‌ساز تهدید کیستی، شرم و در نتیجه گسترش نئوتروریسم طرح خواهد شد. البته محدودیت‌های پژوهش، ایجاب می‌کند تا برای بررسی فرضیه، از میان دولت - ملت‌های منطقه، فقط به عراق که طی چند سال گذشته یکی از بیشترین عرصه‌های - حداقل جغرافیایی - در گسترش نئوتروریسم بوده است، پرداخته شود.

۴-۱. روایت‌های مذهبی

از جمله انواع هویت‌های ریشه‌دار، تعیین‌کننده و گسترده در خاورمیانه، هویت دینی است. آسیای غربی به‌عنوان مهد پیدایش مهم‌ترین ادیان الهی، در ادوار مختلف تاریخی مملو از جنبش‌ها و رویدادهای مذهبی متنوع بوده است. آیت‌الله مکارم شیرازی (۱۳۸۹ شمسی) می‌نویسد:

«نوح^(ع) از عراق برخاست و مرکز دعوت ابراهیم^(ع) عراق و شام بود و به مصر و حجاز نیز سفر کرد. موسی^(ع) از مصر برخاست، مرکز تولد و قیام و دعوت مسیح^(ع) نیز شام و فلسطین بود و پیامبر اسلام^(ص) از سرزمین حجاز

برخواست، پیامبران دیگر نیز غالباً در همین مناطق می‌زیستند، به طوری که می‌توان گفت: شرق میانه، منطقه پیامبر خیز جهان بوده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹ش: ۳۶۷).

در این میان؛ دین اسلام در مقایسه با سایر ادیان الهی در خاورمیانه دارای گستردگی جغرافیایی و انسانی بیشتری است. در سال ۲۰۱۰، نود و سه درصد جمعیت در خاورمیانه و شمال آفریقا مسلمان بوده‌اند و انتظار می‌رود که جمعیت مسلمانان این منطقه طی سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۵۰ با رشد ۷۴٪ درصدی از ۳۱۷ میلیون به ۵۵۲ میلیون نفر افزایش یابد. با این رشد، در سال ۲۰۵۰ نود و چهار درصد جمعیت در این منطقه مسلمان خواهند بود. بر همین اساس، مسیحیان و یهودیان به ترتیب به عنوان دومین و سومین گروه‌های دینی در منطقه باقی می‌مانند (pewforum, 2015).

جدول شماره ۱. حجم فعلی و پیش‌بینی رشد گروه‌های بزرگ دینی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (۲۰۱۰ تا ۲۰۵۰)

	2010 ESTIMATED POPULATION	% IN 2010	2050 PROJECTED POPULATION	% IN 2050	POPULATION GROWTH 2010-2050	% INCREASE 2010-2050	COMPOUND ANNUAL GROWTH RATE (%)
Muslims	317,070,000	93.0%	551,900,000	93.7%	234,830,000	74.1%	1.4%
Christians	12,710,000	3.7	18,180,000	3.1	5,470,000	43.0	0.9
Jews	5,630,000	1.6	8,200,000	1.4	2,570,000	45.7	0.9
Unaffiliated	2,100,000	0.6	3,280,000	0.6	1,180,000	56.2	1.1
Hindus	1,720,000	0.5	3,700,000	0.6	1,980,000	114.6	1.9
Folk Religions	1,060,000	0.3	2,270,000	0.4	1,210,000	114.2	1.9
Buddhists	500,000	0.1	1,190,000	0.2	690,000	137.4	2.2
Other Religions	230,000	< 0.1	260,000	< 0.1	30,000	11.5	0.3
Regional total	341,020,000	100.0	588,960,000	100.0	247,950,000	72.7	1.4

Source: The Future of World Religions: Population Growth Projections, 2010-2050, Population estimates are rounded to the nearest 10,000. Percentages are calculated from unrounded numbers. Figures may not add to 100% because of rounding.

PEW RESEARCH CENTER

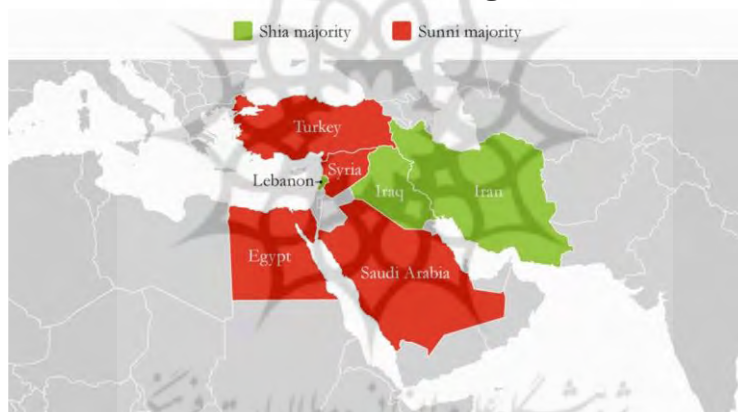
منبع: (pewforum, 2015)

مراد از بیان وضعیت دینی در خاورمیانه، بررسی جدال‌های هویتی میان ادیان الهی به‌عنوان زمینه گسترش نئوتروریسم در این منطقه نیست. اتفاقاً حداقل در چند دهه گذشته شواهدی از جدال‌های دینی مؤثر و برهم زننده اساسی امنیت در دسترس نیست. بلکه هدف از ارائه مطالب پیشین، تعیین و تشریح هویت دینی غالب در خاورمیانه بود. آنچه که در فرضیه ارائه شده است، نقش تعارضات درون دینی یعنی تعارضات مذهبی در گسترش نئوتروریسم است و نه تعارضات برون دینی (بین ادیان). لذا به‌دلیل

تسلط دین اسلام بر منطقه، تعارضات درون دینی میان دو مذهب اهل سنت و شیعه که اصلی‌ترین گرایش‌های اسلامی شناخته می‌شوند، بررسی خواهد شد. البته هنگامی که از اهل سنت سخن به میان می‌آید، طیف متنوعی از گرایش‌های فقهی از جمله حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی و گرایش‌های کلامی اشاعره، معتزله، اهل حدیث و ماتریدی را شامل می‌شود و هنگامی که از شیعه سخن می‌گوییم اغلب منظور شیعه دوازده امامی، اسماعیلی و زیدی است.

موضوع این فصل در چارچوب مرزهای ملی ره‌گیری می‌شود، لذا وضعیت مذاهب در مرزهای ملی خاورمیانه هدایتگر بحث خواهد بود. عمده برداشت‌های عمومی از وضعیت هویت مذهبی مسلمانان در برخی کشورهای خاورمیانه مشابه شکل ۱ است.

شکل شماره ۱. توزیع مسلمانان شیعه و اهل سنت در خاورمیانه

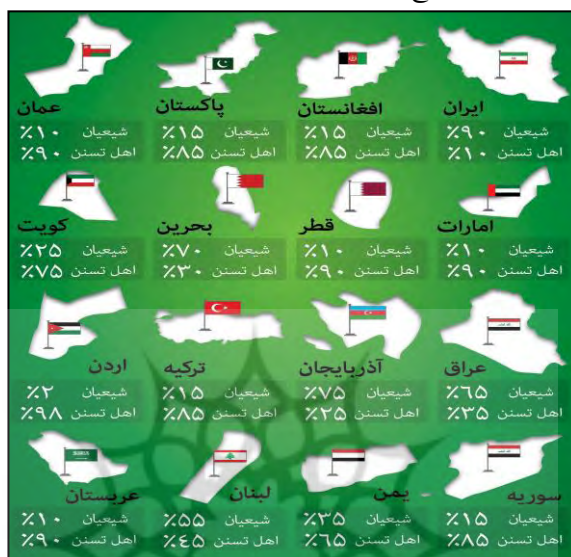


منبع: (Withnall, 2016)

اما بالا، با تساهل آن‌هم در ترسیم رقابت‌های هویتی کشورها با یکدیگر - که موضوع فصل آتی است - می‌تواند تا حدودی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. چرا که در تصویر بالا که اتفاقاً نماینده بخشی از نگرش‌های ژورنالیستی در جهان است، کشوری نظیر عراق، ایران یا عربستان یکدست و دارای یک مذهب معرفی شده‌اند. حال آنکه اتفاقاً یکی از عوامل بی‌ثباتی یا گسترش نئوتروریسم در خاورمیانه، تعارضات مذهبی در درون

کشورهای این منطقه است. در شکل ۲، پراکندگی مذهبی در کشورهای غرب آسیا نمایش داده شده است.

شکل (اینفوگرافیک) ۲. توزیع تقریبی مسلمانان شیعه و اهل سنت در کشورهای خاورمیانه



منبع: (دل روشن، ۱۳۹۵ش)

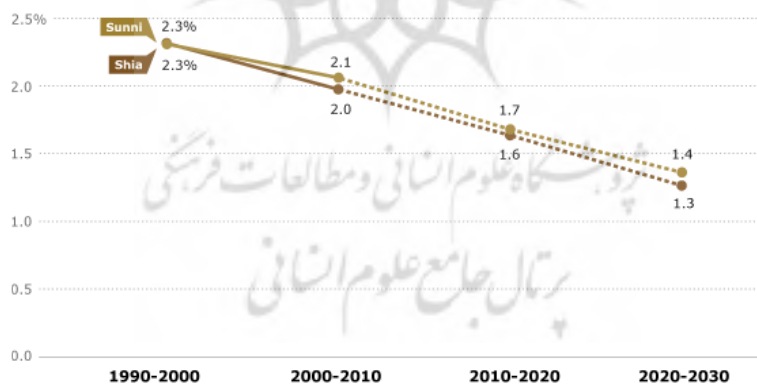
البته حتی تقسیم‌بندی مذهبی کشورهای خاورمیانه بر اساس اهل سنت و شیعه نیز توزیع و توضیح دقیقی نخواهد بود. چرا که درون کشورهای شکل ۲ و در کنار جمعیت اهل سنت و شیعه، جمعیت‌های دیگری از ادیان، مذاهب و آیین‌های متنوعی وجود دارد. اما این موضوع لزوماً به معنای مشارکت مؤثر همه مذاهب و آیین‌ها در رقابت‌ها و کشمکش‌های هویتی و مذهبی نیست.

به نظر می‌رسد؛ یکی از عواملی که می‌تواند موجب عدم شکل‌گیری تنش یا کاهش مخاصمات میان دو روایت در درون مرزهای ملی شود، «تسلط کامل» فیزیکی و انسانی یک روایت بر روایت دیگر است. روی عبارت تسلط کامل تأکید است. به‌عنوان نمونه؛ هنگامی که تعداد یهودیان در عراق در عرض دو دهه، از حدود یکصد و بیست هزار نفر به سه تا چهار کهنسال یهودی در بغداد (و تعداد محدودی در سایر شهرها) تغییر می‌یابد (معموری، ۲۰۱۴)، دیگر هویت و روایت بیوگرافیک یهودیان در دولت-ملت عراق، پاد روایت جدی

برای سایر هویت‌ها نیست. همین وضعیت - یعنی حضور درصدهای بسیار کم - در مورد اهل حق در ایران، صابئان در عراق یا اسماعیلیان در سوریه نیز مصداق پیدا می‌کند. اما نسبت‌های جمعیتی در مسلمانان (اهل سنت و شیعه) در کشورهای خاورمیانه (اینفوگرافیک ۲)، به‌ویژه در کشورهای مهمی مانند عربستان، ایران، عراق، سوریه، لبنان، بحرین و افغانستان از نسبت‌های قابل هضم و حذف فراتر است. پیش‌بینی رشد تقریباً مشابه جمعیتی هر دو مذهب در جهان (شکل ۳)، هرگونه احتمال هضم یا حذف آنان از عرصه رقابت‌ها و کنش و واکنش‌های مذهبی و هویتی را به محال نزدیک می‌کند. در حال حاضر بین ۸۷ تا ۹۰ درصد مسلمانان جهان را اهل سنت و بین ۱۰ تا ۱۳ درصد مسلمانان جهان را شیعیان تشکیل می‌دهند. پیش‌بینی سال ۲۰۳۰ نیز حفظ تقریبی همین وضعیت را نشان می‌دهد (pewforum, 2011). مرکز مطالعات پیو در شکل ۳، نزدیک بودن نرخ رشد جمعیتی هر دو مذهب را نمایش داده است.

اگر به موضوع جمعیت، سایر عوامل پایداری هویتی اهل سنت و شیعه نظیر «مبانی و تاریخ مهم مذهبی» و «شناسایی رسمی دو مذهب در عمده کشورهای خاورمیانه» را اضافه کنیم، دیگر مساله تفوق کامل یکی بر دیگری بسیار بعید به نظر می‌رسد.

شکل شماره ۳. نرخ رشد جمعیت سالانه مسلمانان برای اهل سنت و شیعه



These figures are average compound annual growth rates over the 10-year periods shown. Compounding takes into account that the population base for each year includes growth from the previous year. Data points are plotted based on unrounded numbers. Dotted lines denote projected figures.

Pew Research Center's Forum on Religion & Public Life • The Future of the Global Muslim Population, January 2011

منبع: (pewforum, 2011)

برای پرداختن به امنیت هویت مذهبی، گرایش‌های عمومی اهل سنت و شیعه در قالب روایت‌ها بررسی می‌شود. روایت، تعیین‌کننده شاخص‌های حرکتی است. اینکه روایت یک مذهب کدام شخص یا شاخص را مدنظر قرار دهد، آنقدر تعیین‌کننده است که می‌تواند بر تمام شئون رفتاری پیروان در آینده مؤثر باشد. از این‌رو در بیان روایت بیوگرافیک اهل سنت و شیعه به اشخاص - که به‌عنوان الگوهای حرکتی عملاً «شاخص‌ها» هستند - اشاره می‌شود.

در بحث بعدی در موضوع نامنی هویتی یا پاد روایت‌ها، گرایش‌های مسئله‌دار و مسئله‌ساز دو مذهب استخراج و نقش آفرینی درون مرزی آنان در گسترش نفوذوریسم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۲. روایت بیوگرافیک سنی

اهل سنت و جماعت، با وجود گوناگونی طیف‌های آن، بر مشروعیت خلافت چهار خلیفه نخستین اتفاق نظر دارند، در حالی که شیعیان - به‌طور خاص امامیه و اسماعیلیه - حضرت علی^(ع) را جانشین بلافصل پیامبر اسلام^(ص) می‌دانند. این اختلاف که اغلب از تفسیر رویداد غدیر خم نشأت می‌گیرد؛ اولین و مهمترین نقطه اختلاف شیعه و اهل سنت محسوب می‌شود.

شیعیان معتقدند که پیامبر در رویداد مذکور، علی بن ابی‌طالب را به‌عنوان وصی و برادر و جانشین خود از جانب خدا معرفی کرد. اما اهل سنت آن معرفی را تنها به‌منزله‌ی اظهار نزدیکی پیامبر به علی و دعوت به دوستی با او می‌دانند و اینکه علی به‌عنوان پسر عمو و فرزندخوانده‌اش، جانشین پیامبر در مسئولیت‌های خانوادگی‌اش پس از رحلت شود (Nasr, 2019).

موضوع شناخت «بهترین مسلمانان» با معرفی الگوهای مذهبی، یکی دیگر از اعتقادات مهم اهل سنت محسوب می‌شود. پیروان اهل سنت بر این عقیده‌اند که هر کسی در حال ایمان با حضرت محمد^(ص)، ملاقات و مصاحبت داشته هر چند یک لحظه

۱. ابوبکر، عمر، عثمان و علی

باشد؛ از صحابه است. همچنین معتقدند که تمامی صحابه عادل بوده و باید در معارف دین به آنان مراجعه نمود. (عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ۱۶۲).

یکی از نویسندگان اهل سنت در این زمینه بیان می‌کند که: «صحابه و یاران پیامبر همه عادل و شهادت آنها مورد قبول است و آنها بهترین افراد این امت هستند، گواهی دادن بر ایمان و فضیلت آنها یکی از اصول قطعی و معلوم و آشکار و از ضروریات دین اسلام است و محبت آنها دین و ایمان؛ و بغض آنها کفر و نفاق است... و بهترین آنها ابوبکر سپس عمر، سپس عثمان، سپس علی که خلفای راشدین هستند، و خلافت آنها به ترتیبی که اسامی آنها آمده درست است» (بن عبدالکریم العقل، ۱۳۸۱ش: ۳۳). بر همین اساس از نظر اهل سنت، کسانی چون ابوسفیان، معاویه و عمروعاص نیز جزء صحابه‌اند و عادل و مورد اعتماد می‌باشند.

اهل سنت با استناد به این روایت‌های بنیادی به عنوان پيله‌ی شناختی^۱ یا پيله‌ی محافظ، الزامات احساس امنیت و جودی خود را معرفی می‌کنند. گیدنز معتقد است: تولید و بازتولید امور روزمره در جریان زندگی با احساس امنیت و جودی فرد پیوند می‌خورد. حفظ عادت‌ها و روال‌های روزمره، خاکریز حمایت‌کننده‌ای در برابر اضطراب‌های تهدیدکننده تلقی می‌شود. اصطلاحی که گیدنز از آن به عنوان پيله‌ی شناختی یاد می‌کند. این «پيله‌ی شناختی» به فرد امکان می‌دهد تا در برابر پیشامدهای ناگوار احتمالی زندگی اجتماعی، امید و شهامت خود را حفظ کند (رستمی و غلامی حسن آبادی، ۱۳۹۴ش: ۱۴۱؛ به نقل از گیدنز، ۱۳۸۷ش: ۶۵-۶۴).

۳-۴. روایت بیوگرافیک شیعی

اعتقاد به انتصاب علی بن ابیطالب از سوی خداوند برای جانشینی پیامبر اسلام و امامت پس از وی و ابلاغ این امر توسط حضرت محمد، مهمترین وجه معرفی شیعه و تمایز آن با اهل سنت است. در همین زمینه شیعیان دلایل عقلی و نقلی متعددی ارائه می‌کنند. همچنین دو اصل امامت و عدل نیز علاوه بر سه اصل دین اسلام یعنی توحید، نبوت و معاد از اصول شیعی محسوب می‌گردد.

1. Cocoon Cognitive
2. Dare

اصل امامت عملاً باعث جدایی خط حرکتی شیعه و اهل سنت شده است. به‌ویژه با توجه به اینکه یکی از منابع تعیین و تبیین کننده الزمات رفتاری مسلمانان، رهبران دینی هستند، تعیین و اعتقاد به رهبران متفاوت (خلفا و صحابه در اهل سنت و امامان و مراجع در شیعه) موجب تولید منابع الگویی - رفتاری متفاوت از یکدیگر می‌شود.

شیعه معتقد است خداوند وظیفه رهبری و هدایت جامعه اسلامی را پس از پیامبر اسلام به عهده عترت ایشان نهاده است و پس از منصب نبوت و رسالت که اختصاص به شخص رسول الله دارد، منصب امامت و پیشوایی خلق را به افرادی از خاندان ایشان اختصاص داده است. کشتی نجات عبارتی است که شیعه به نقل از پیامبر اسلام به اهل بیت اینگونه اختصاص می‌دهد: اهل بیت من در میان شما به منزله کشتی نوح‌اند که هر که در آن نشست نجات یافت و آن که از آن بازماند به هلاکت رسید (متقی هندی، بی‌تا: ۲۷۲). جایگاه اهل بیت در شیعه آنقدر رفیع است که «میزان اعمال» بر اساس آن سنجیده می‌شود. ابن عباس سخن پیامبر اسلام را نقل می‌کند که: «من میزان علم هستم و علی دو کفه آن و حسن (ع) و حسین (ع) رشته نخ‌های آن و فاطمه علاقه و امامان از امت من عمود آن هستند. در آن، میزان اعمال دوستان و دشمنان ما وزن می‌شود (مرعشی شوشتری، ۹۰۹ ق: ۲۰۷).

همچنین مسأله حکومت اسلامی یکی دیگر از اضلاع هویتی شیعه محسوب می‌گردد. از نظر شیعه، حکومت تنها از آن خداست و هر حاکمی که از جانب خداوند حکم نکند و فرمانش حق نباشد، لزوماً به باطل حکم کرده و طاغوت می‌باشد (کلینی، ۱۳۸۷ ش: ۷۵-۳۷۳). اتصال این نگرش به «نظریه ولایت فقیه»، زمینه را برای طرح مدلی از حکومت فراهم کرده است که با سایر حکومت‌های موجود در کشورهای اسلامی تفاوت‌های بنیادین دارد.

توسل، یکی دیگر از اعتقادات شیعه و به معنای وسیله جستن جهت تقرب به خداوند است. «وسایلی نظیر اعمال صالح گرفته تا اسماء الهی، معصومان، عالمان ربّانی، مؤمنان کامل و آنچه نزد خداوند دارای قداست و عظمت است مانند قرآن کریم و تربت سیدالشهدا» (فیض کاشانی، ۱۰۹۱ ق: ۳۳). شیعیان، وسایل توسل را دارای حرمت و تسریع‌کننده اتصال به عالم الهی می‌دانند.

«شفاعت» نیز در منظومه هویتی شیعه دارای جایگاه ارزنده‌ای است. شفاعت واسطه شدن یک مخلوق، میان خداوند و دیگر مخلوقات برای رساندن خیر یا دفع شر است (سید مرتضی، ۱۴۰۵ق: ۲۷۳). شفاعت در صورت وقوع؛ مانع از مجازات الهی می‌شود. میان شفاعت و توسل ارتباط مفهومی وجود دارد؛ توسل فعل فرد پناه برنده به صاحب شفاعت است و شفاعت فعل مساعدت شخصی دارای جایگاه خاص، برای توسل کننده از محضر خداوند است.

۵. پاد روایت‌های مذهبی

هنگامی که از ناامنی هویتی سخن به میان می‌آید عملاً موضوع نقض روایت بیوگرافیک مطرح می‌شود. در قسمت پیشین روایت بیوگرافیک دو مذهب مطرح شد و حال با تحلیل موقعیت پاد روایت، نقش آن را در ایجاد ناامنی هویتی، ایجاد شرم و در نتیجه گسترش نئوتروریسم بررسی خواهیم کرد. با این توضیح که پاد روایت‌ها می‌توانند روایت رقیب و یا اقدامی علیه پبله‌های شناختی یک روایت باشند.

بیان این نکته ضروری است که «هر دو مذهب (اهل سنت و شیعه) از یکدیگر برای تکمیل هویت و آموزه‌های خود استفاده می‌کنند» (Hughes, 2013:116). یعنی در دوره حاضر که تعارضات مذهبی در خاورمیانه تشدید شده است؛ تعریف و پاسداری از هویت اهل سنت بدون طرح مستقیم یا غیرمستقیم، خواسته یا ناخواسته پادروایت شیعی و تعریف و پاسداری از هویت شیعه بدون طرح مستقیم یا غیرمستقیم، خواسته یا ناخواسته پادروایت شیعی عملاً دور از ذهن است.

یادآوری می‌گردد که به دلیل محدودیت‌های پژوهش، در تبیین و تحلیل پادروایت‌های درون مرزی در خاورمیانه، فقط کشور عراق مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۵. پاد روایت سنی، خروجی شرم و گسترش نئوتروریسم

اهل سنت در عراق جمعیتی حدود ۳۲ تا ۳۷ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. سی و پنج سال حکومت حزب بعث بر سرزمین عراق (۲۰۰۳-۱۹۶۸)، فرصت کم نظیری برای

پاسداری از روایت بیوگرافیک این مذهب ایجاد کرد. اما با حمله ائتلاف به محوریت آمریکا و سقوط صدام حسین و گماردن حاکم موقت که دیپلماتی آمریکایی بود، در فاز اول ناامنی هویتی اهل سنت، عدم مشروعیت حکومت غاصب مطرح گردید. همچنین حضور نیروی نظامی خارجی نیز - که نشانه‌ای از حاکمیت و تسلط بیگانه - بود بر عمق عدم مشروعیت می‌افزود.

واژه «مشروعیت» از «شرع» گرفته شده و در بیشتر موارد به معنای وابسته و مستند به شرع یا شارع است و با کلمات تقنین، قانونی و حقانیت هم‌ریشه است. در اندیشه سیاسی اسلام، مشروعیت به معنای حقانیت و حق حکومت کردن است. یعنی حاکم بر چه اساسی و با چه مجوزی حق تصرف در شئون مردم و هدایت مقدرات عمومی را دارد؟ لذا حکومت مشروع حکومتی است که دارای حق حاکمیت و فرمانروایی بر مردم است و همواره در مقابل حکومت غاصب جای گرفته است.

اهل سنت معتقدند که پس از پیامبر (ص)، امر حکومت کلاً به اختیار و انتخاب امت سپرده شده است و منابع گوناگونی را از جمله اجماع اهل حل و عقد و بیعت، زور و غلبه، ولایت عهدی و نصب امام قبلی را برای مشروعیت حکومت در نظر گرفته‌اند (حاتمی، ۱۳۸۹ش: ۴۴).

هیچ‌کدام از منابع مشروعیت بخش به حکومت در حضور نظامی آمریکا در عراق متجلی نشده است. بیان این نکته ضروری است که مشروعیت «زور و غلبه» نیز به نیروی مسلمان و داخلی اشاره دارد. تفتازانی می‌نویسد: «زمانی که امام بمیرد و کسی که جامع شرایط امامت است بدون بیعت و جانشینی متصدی مقام امامت گردد و با زور و شوکت بر مردم غلبه یابد، خلافت برای او منعقد می‌شود و اظهر این است که اگر او فاسق یا جاهل باشد نیز چنین خواهد بود و او فقط در عمل خود گناهکار می‌باشد و اطاعت امام واجب است تا زمانی که با حکم شرع مخالفت نکند چه عادل باشد و چه جائز.» (تفتازانی، ۱۴۰۹ ق: ۲۷۱-۲۷۲).

دو دستور مهم حاکم ائتلاف موقت، پل برمر مبنی بر انحلال حزب بعث و محرومیت اعضای آن در دولت جدید عراق (دستور شماره یک) و انحلال ارتش عراق)

دستور شماره دو) - که عمده نفرات و مقامات آن اهل سنت بودند - (James, 2010: 76-85)، دومین ضربه را به حلقه‌های محافظ روایت اهل سنت در عراق وارد کرد.

هرچند حزب بعث بر اساس دیدگاه‌های بعضاً ضد دینی عمل می‌کرد؛ اما نقش این حزب در محدود نمودن هویت رقیب اهل سنت یعنی هویت شیعی در عراق بسیار موثر بود. «روحانیت شیعه و طرفداران آنها از نخستین اهداف حزب بودند و به همین دلیل دائماً در معرض شدیدترین آزارها و اختناق‌ها قرار داشتند. حزب بعث اموال بسیاری از بازرگانان شیعه را که با پرداخت وجوهات شرعی خویش، پشتوانه‌ی روحانیت بودند، به عنوان فئودال و سرمایه‌دار وابسته مصادره و تنی چند از آنان را به اتهام جاسوسی برای بیگانگان دستگیر و بعضاً اعدام نیز کردند (سروستانی، ۱۳۹۸). با حذف حزب بعث و انحلال ارتش - به‌عنوان بازوی نظامی و امنیتی حزب - بزرگترین حلقه سیاسی اهل سنت و قوی‌ترین مانع در برابر رشد شیعیان از میان برداشته شد.

به همین دلیل سومین فاز ناامنی هویتی اهل سنت یعنی رویش جریان‌های شیعی - به‌عنوان جریان رقیب - شکل گرفت. مهم‌ترین تأثیر شیعیان بر تحولات عراق پس از اشغال، عبارت‌اند از:

۱. تحمیل اراده به اشغال‌گران برای تشکیل حکومتی از احزاب و قومیت‌های مختلف عراق؛
۲. سهیم شدن در نگارش قانون اساسی عراق و به انتخابات گذاشتن آن؛
۳. حضور جدی در برگزاری انتخابات
۴. تأکید بر نقش شیعه در حکومت به اندازه جمعیت خود؛
۵. حفظ قدرت نظامی شیعه، سپاه بدر و لشکر مهدی؛
۶. تشکیل جبهه متحد شیعی، ائتلاف شیعی، بیت شیعی و همکاری با ایران؛
۷. تبعیت (بخش قابل توجهی از) مردم و سپس احزاب سیاسی عراق از مرجعیت شیعی؛

۸. ترجیح منافع شیعی بر منافع اشغالگران در عراق (اکبری، ۱۳۸۸: ۴۷).
در مجموع سه ضلع عدم مشروعیت تسلط نیروی نظامی-سیاسی خارجی، انحلال حزب بعث و ارتش عراق و به قدرت رسیدن شیعیان سه پاد روایت هویت سنی در

عراق بود. این پاد روایت‌ها منجر به بروز احساس شرم در میان گروه‌های سنی و در نتیجه شکل‌گیری اقدامات تهاجمی و تدافعی توسط گروه‌های افراطی اهل سنت و ایجاد بدنه خنثی یا بی تفاوت میان گروه‌های معتدل اهل سنت گردید. گروه‌های افراطی اهل سنت در قالب‌های ذیل اقدام به مقابله وسیع با نیروهای ائتلاف و شیعیان نمودند.

۱-۱-۵. تشکیل القاعده در عراق

گروه تروریستی القاعده به‌عنوان دشمن اصلی ایالات متحده در عراق با گسترش دامنه اقدامات به تجمعات و مراکز شیعی، مسئولیت بسیاری از بمب‌گذاری از جمله انفجار ساختمان سازمان ملل متحد در بغداد، انفجار حرمین عسگری در سامرا، انفجارهای عاشورا در شهرهای کربلا و کاظمین، اعدام‌های وحشیانه سربازان و افسران پلیس عراق، سربریدن شهروندان عراقی و خارجی و بسیاری از حملات تروریستی در عراق را برعهده گرفت. این گروه مدعی است که رهبری بیش از ۱۲۰۰۰ مهاجم مسلح در ۱۵ تیپ تروریستی را برعهده داشته است (بی بی سی، ۲۰۱۴).

اقدامات القاعده عراق به شکل‌گیری داعش منتهی شد. ریشه‌ی داعش به جماعت توحید و جهاد می‌رسد که در سال ۱۹۹۹ به رهبری ابومصعب الزرقاوی تأسیس شد و در سال ۲۰۰۴ به شبکه القاعده پیوست و پس از آن به القاعده عراق معروف شد. این گروه که وارد جنگ با دولت عراق و نیروهای آمریکایی مستقر در عراق شده بود در سال ۲۰۰۶ با چندین گروه اسلام‌گرای دیگر ائتلاف کرد و «مجلس شورای مجاهدین» را تشکیل داد که یک قدرت مهم در استان انبار، وسیع‌ترین استان عراق، محسوب می‌شد. این شورا توسط گروه‌های جهادی خارجی با تبار عمدتاً غیر عراقی تأسیس شد. شورای مجاهدین عراق مدعی «خلیفه‌گری» در کشور عراق بوده و تیپ‌های تروریستی متعددی ایجاد کرد.

در ۱۳ اکتبر همان سال، مجلس شورای مجاهدین به همراه چند گروه شورشی دیگر «حکومت اسلامی عراق» را تشکیل داد. ابویوب المصری و ابوعمر بغدادی دو رهبر اصلی حکومت اسلامی عراق بودند که در ۱۸ آوریل ۲۰۱۰ در عملیات ارتش آمریکا کشته شدند و ابوبکر بغدادی جایگزین آن‌ها شد.

این گروه پس از گسترش متصرفات خود در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ اعلام کرد که از این پس نام آن «دولت اسلامی» است و یک خلافت جهانی را تشکیل داده و ابوبکر بغدادی رهبر گروه را نیز به عنوان خلیفه معرفی کرد و فعالیت‌های حکومتی خود را گسترش داد از جمله این اقدام‌ها چاپ اسکناس با واحد دینار داعش و گذرنامه، ایجاد پلیس، صدور نفت، راه‌اندازی شبکه تلویزیون، نشریه و حضور در رسانه‌های مجازی بود.

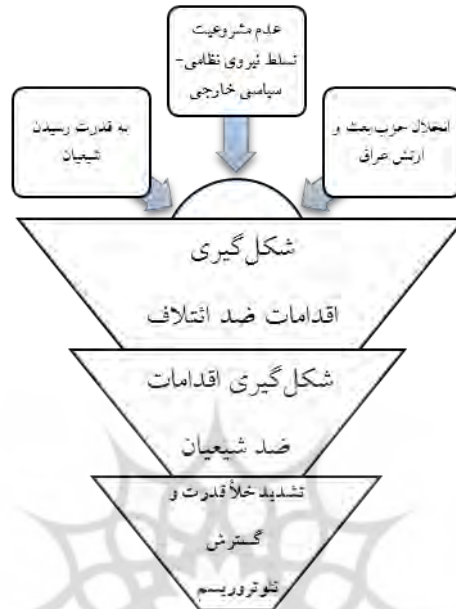
۵-۱-۲. تشکیل انصار السنه در عراق

گروه انصار السنه، گروهی تروریستی و بنیانگذار سربریدن، اعدام‌های دسته جمعی و بمب گذاری‌های انتحاری، در عراق است که به شدت در استان الانبار، بغداد و موصل فعالیت کرده است. اعضای گروه انصار السنه را برخی کردهای تندروی سنی و مجاهدین عرب تشکیل می‌دهند. رهبری گروه انصار السنه را ابوعبدالله الحسن بن محمود برعهده داشته است.

این اقدامات با گسترش افکار افراطی زمینه جذب هزاران نفر را به گروه‌های نئوتروریستی و مبارز فراهم کرد و ضمن تضعیف دولت مرکزی موجب شکل‌گیری اعتراضات فزاینده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در عراق گردید.

بخشی از اهل سنت نیز که دچار ناامنی هویتی شده بودند اما علاقه‌ای به فعالیت در گروه‌های مقاومت یا تروریستی نداشتند، به عنوان بدنه خنثی ناخواسته به گسترش نئوتروریسم کمک کردند. سقوط موصل و بسیاری دیگر از شهرهای اهل سنت ناشی از بی‌تفاوتی کم سابقه مردم نسبت به حوادث پیرامونی خود بود. جمع‌بندی گفتار بیان شده به صورت خلاصه در شکل شماره چهار: ناامنی هویتی اهل سنت در عراق، ایجاد شرم و گسترش نئوتروریسم نشان داده شده است.

شکل شماره ۴. ناامنی هویتی اهل سنت در عراق، ایجاد شرم و گسترش نئوتروریسم



۲-۵. پادروایت شیعی، خروجی شرم و گسترش نئوتروریسم

حضور نیروهای آمریکایی در عراق هرچند پایان‌دهنده به بیش از سه دهه حکومت بعثی و ضد شیعی بود، اما زمینه را برای مداخله‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی ایالات متحده در این کشور فراهم کرده بود. از سوی دیگر سال‌ها سرکوب شیعیان و پتانسیل هویتی بزرگی که با سقوط صدام برای پیروان این مذهب ایجاد شده بود باعث شد تا هویت شیعی دست به توسعه و تثبیت بزند. لذا سه رویکرد ذیل توسط شیعیان عراق ره‌گیری شد:

الف) مقابله با حضور و نفوذ آمریکا در عراق

این مقابله شباهت‌های زیادی به عدم مشروعیت تسلط نیروی نظامی-سیاسی خارجی در پادروایت‌های اهل سنت دارد. مهم‌ترین خط مقابله فیزیکی با حضور آمریکا در عراق را جریان صدر بر عهده داشت. منظور از «جریان صدر»، همان جریان «مقتدا صدر» است. پس از ترور سید محمدباقر صدر در سال ۱۹۸۰ در عراق، جریانی

منسوب به صدر به رهبری «سیدمحمدصادق صدر» روی کار آمد. این حرکت با تکیه بر میراث جهادی و حمایت گسترده مردم آغاز شد (لطیف، ۱۳۹۰ ش: ۱۴۱). «سید مقتدا صدر» فرزند «سیدمحمدصادق صدر» است که در سال ۱۹۹۹ به دست عوامل صدام ترور شد. علی‌رغم اینکه بسیاری از تحلیل‌گران غربی مقتدا صدر را فاقد مشخصات لازم برای رهبری شیعیان می‌دانند، ولی در شرایط فعلی از پشتیبانی قشر وسیعی از مردم عراق برخوردار است. طرفداران وی اغلب جوانان تنگدستی هستند که فقر و بدبختی خویش را به اشغال‌گران، به‌ویژه آمریکا نسبت می‌دادند. مقتدا صدر شرط کنار گذاشتن مشی مبارزه علیه اشغال‌گران را بیرون رفتن آنها از عراق می‌دانست.

او نفوذ زیادی در میان عشایر دارد. مقتدا از میان جوانان، سپاهی تحت‌عنوان «جیش المهدی» راه اندازی کرده است. او مسائل عراق و فلسطین را مرتبط و مشترک اعلام می‌کند و از این طریق، خود را در صحنه کشورهای عربی قرار می‌دهد. در تابستان ۱۳۸۲ گروه شبه‌نظامی شیعی جیش المهدی توسط مقتدی صدر شروع به مقابله با نیروهای ائتلاف کرد. در این سال نیروهای شبه‌نظامی سنی و شیعی به جنگ با یکدیگر، علیه نیروهای ائتلاف و علیه دولت موقت عراق که در خرداد ۱۳۸۳ به قدرت رسیده بود پرداختند. اقداماتی که ناخواسته ضمن تشدید خلأ قدرت، فضا را برای توسعه اقدامات گروه‌های نئوتروریستی فراهم کرد.

ب) نگرانی از به قدرت رسیدن جریان‌های غیرهمسو

همانطور که پیش‌تر گفته شد؛ سقوط صدام بهترین فرصت برای شیعیان جهت حضور در ساختار قدرت بود. از سوی دیگر، نگرانی شیعیان از به قدرت رسیدن مجدد جریان‌های همسو با بعث یا غرب به عنوان یک پادروایت فوری، منجر به حرکت همه جانبه احزاب، جریان‌ها و شخصیت‌های شیعی و در نهایت موجب نقش آفرینی موثر در ساختار جدید قدرت و به دست گرفتن مهمترین مناصب سیاسی و حکومتی توسط شیعیان با پذیرش اجتناب ناپذیر آمریکا گردید.

فقط در یک نمونه، پس از سقوط صدام، رهبران و بسیاری از اعضای جریان شیعی «حزب الدعوة الاسلامیه» به کشور خود بازگشتند و به ایفای نقشی پیشرو در برآوردن

«ولایت امت» برای عراق و نیز تلاش برای آشتی دادن عراقی‌ها به زندگی به رغم فجایع متحمل شده از طریق صدام حسین اقدام کردند.

در آن تاریخ، ابراهیم جعفری به عنوان دبیر کل «حزب الدعوه» به نمایندگی از ستاد عالی رهبری حزب دخالت اشغال‌گران آمریکایی در شرایط آن روز عراق را پذیرفت، ولی بر ضرورت رهایی از تسلط آن‌ها نیز تأکید کرد (لطیف، ۱۳۹۰ش: ۲۶۷). پس از تشکیل شورای حکومتی در ماه ژوئیه سال ۲۰۰۳، رهبر برجسته و دبیر کل حزب، یعنی ابراهیم جعفری برای اولین بار رئیس شورای حکومتی شد. در ۲۸ آوریل ۲۰۰۵ عراقی‌ها به ابراهیم جعفری نخست وزیر دموکراتیک انتخاب شده دولت موقت عراق رأی دادند. پس از وی، در ۲۰ مه ۲۰۰۶ نوری مالکی، یکی دیگر از رهبران ارشد حزب، به انتخاب مجلس عراق، به عنوان نخست وزیر به مدت ۲ دوره ۴ ساله انتخاب شد. همچنین پس از نخست وزیری نوری مالکی، پس از مدت‌ها کشمکش بر سر معرفی نخست وزیر، در نهایت، حیدر العبادی، که ریاست دفتر سیاسی و عضویت در شورای رهبری «حزب الدعوه» را در کارنامه خود داشت، در اوت ۲۰۱۴، به عنوان سومین نخست وزیر شیعی عراق، مأمور تشکیل دولت جدید شد.

البته جریان‌های دیگری نظیر حزب فضیلت اسلامی، مجلس اعلاهی اسلامی عراق و شخصیت‌هایی نظیر آیت‌الله سیدعلی سیستانی نیز تأثیر به‌سزایی در پویش‌های منتهی به بسط گفتمان شیعی در عراق داشته‌اند.

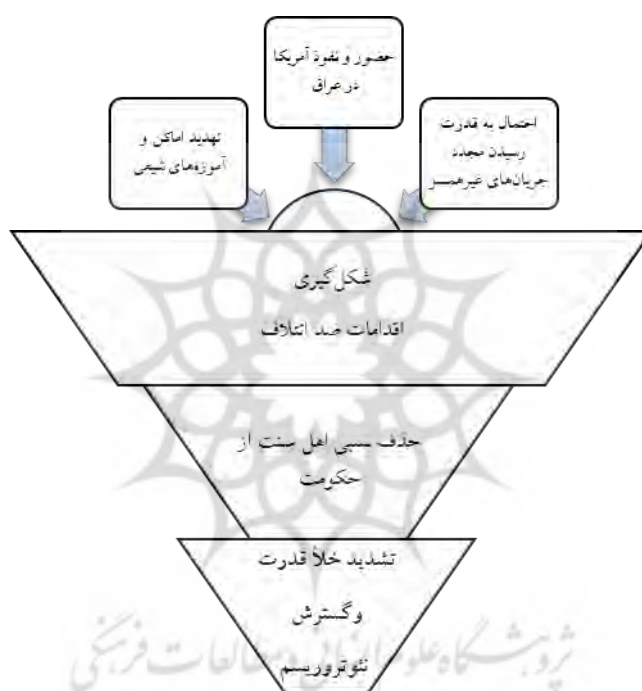
چرخش ناگهانی ساختار قدرت به نفع شیعیان بدون جامعه‌پذیری و فراهم شدن زمینه‌های سیاسی، عقیدتی و فرهنگی، موجب نگرانی بیشتر جریان‌های اهل سنت و در نتیجه مشوق جریان‌های افراطی سنی برای ساختار شکنی و مقابله با هرگونه تبیت فضای جدید سیاسی شد.

ج) تهدید اماکن و آموزه‌های شیعی

خاکسپاری شش امام شیعه در شهرهای نجف، کربلا، کاظمین و سامرا، عراق را به مهم‌ترین زیارتگاه شیعیان جهان تبدیل کرده است. همچنین حوزه علمیه نجف به عنوان پیشران جریان شیعی در جهان اسلام شناخته می‌شود.

با تغییر ساختار سیاسی در عراق مجال بیشتری برای تعمیق و توسعه فعالیت‌های مذهبی شیعیان ایجاد شد. اما توسعه سریع و تصاعدی این فعالیت‌ها، موجب افزایش نگرانی گروه‌های اهل سنت و در نتیجه تشدید اقدامات گروه‌های نئوتروریستی گردید. این اقدامات به گسترش آموزه‌های وهابیت و نیز حمله نظری و عملی به پایگاه‌های شیعی منجر شد.

شکل شماره ۵. ناامنی هویتی تشیع در عراق، ایجاد اضطراب و گسترش نئوتروریسم



نتیجه‌گیری

برای فهم و ریشه‌یابی فعالیت‌های تروریستی در نقاط مختلف جهان به‌ویژه خاورمیانه، لازم است تا با شناخت ویژگی‌های تروریسم نوین، از تئوری‌ها و مدل‌های تحلیلی جدید نیز بهره‌برداری کرد. این ضرورت از آن رو دو چندان می‌شود که دریابیم؛ تروریسم نوین ارتباط معناداری با هویت و دغدغه‌های هویتی دارد.

به همین دلیل در پژوهش حاضر، اثر ناامنی هویتی ملی بر گسترش نئوتروریسم در خاورمیانه با تأکید بر تضادها و تعارضات مذهبی در کشور عراق بررسی شد. همانگونه

که در سیر مطالعاتی مقاله بدان اشاره شد؛ طراحی نقشه هویتی ملت‌ها در خاورمیانه، بدون در نظر گرفتن عنصر مذهب در ساخت هویت آنان ممکن نیست. به همین سبب، پس از معرفی روایت بیوگرافیک اهل سنت و شیعه، در بررسی ناامنی هویتی ملت در کشور عراق، پروسه‌ها و پروژه‌های منتهی به اخلال در استمرار روایت‌های مذهبی هر دو مذهب در این کشور بررسی شد.

در موضوع پاد روایت‌های اهل سنت، به سه مسأله‌ی عدم مشروعیت تسلط نیروی نظامی-سیاسی خارجی، انحلال حزب بعث و ارتش عراق و به قدرت رسیدن شیعیان اشاره گردید. پاد روایت‌هایی که منجر به بروز احساس شرم در میان گروه‌های مذهبی اهل سنت گردید. شرم در هنگامه از دست دادن قدرت و پایان تسلط هویتی بر ساختارها حاصل می‌شود. لذا اهل سنت عراق با از دست دادن ساختارهای قدرت، دچار شرم هویتی شدند.

نتیجه پیدایش این شرم هویتی؛ شکل‌گیری اقدامات تهاجمی و تدافعی توسط گروه‌های افراطی اهل سنت و بی‌تفاوتی سایر گروه‌های معتدل به مشارکت در تأمین ثبات گردید. اقدامات جریان افراطی اهل سنت در عراق به بی‌ثباتی بیش از پیش این کشور و نیز متمایل شدن برخی جریان‌های سنی به مشارکت در اقدامات تروریستی منتهی گردید.

بررسی پاد روایت‌های شیعیان عراق نیز بیان‌کننده این حقیقت بود که سه مسأله؛ مقابله با حضور و نفوذ آمریکا در عراق، نگرانی از به قدرت رسیدن مجدد جریان‌های غیرهمسو و تهدید اماکن و آموزه‌های شیعی، عامل تشدید اضطراب نزد شیعیان شد. اضطراب در هنگامه خلأ قدرت و احتمال تهدید تسلط هویتی دیگران بر ساختارها حاصل می‌شود. لذا شیعیان عراق با بی‌ثباتی در ساختارهای قدرت، دچار اضطراب هویتی شدند. توسعه فعالیت‌های ضد ائتلاف از یک سو و تلاش برای قبضه قدرت توسط شیعیان از سوی دیگر، به تشدید بی‌ثباتی سیاسی در عراق و در نتیجه گسترش نئوتروریسم کمک کرد.

در نتیجه می‌توان گفت: انتخاب‌گزینشی اجزاء روایت بیوگرافیک و ره‌گیری مطلق آن توسط کنشگران مذهبی در داخل عراق، ضمن ایجاد ناامنی هویتی، موجب آغاز یا



تشدید اضطراب و شرم در باور و رفتار بازیگران داخلی، ره‌گیری سیاست کسب شرافت و در اثری به‌نظر ناخواسته، سبب گسترش نئوتروریسم در عراق شده است. نامنی هویتی تنها عامل گسترش نئوتروریسم در عراق یا خاورمیانه نیست، اما می‌توان گفت از مهمترین عوامل شکل‌گیری شرم یا اضطراب نزد بازیگران داخلی عراق بوده است. از این‌رو مؤثر شدن هرگونه برنامه ملی، منطقه‌ای یا جهانی توسط کشورها، نهادها و نشست‌ها برای تخفیف یا کنترل نئوتروریسم در عراق و خاورمیانه، مستلزم درک نامنی هویتی در این منطقه و ارتقاء دانش، انعطاف و تعاملات هویتی در کشورهای خاورمیانه است.

منابع

- اکبری، حسین (۱۳۸۸)، بحران حاکمیت در عراق، تهران: نشر اندیشه سازان.
- الکلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷)، الکافی، به‌اهتمام الدرایتی، محمد حسین، قم: دارالحديث.
- بن عبدالکریم العقل، ناصر (۱۳۸۱)، مختصری از اصول عقاید اهل سنت و جماعت، ترجمه اسحاق بن عبدالله الدبیری العوضی، ریاض: الحمیضی.
- تفتازانی، سعدالدین (۱۴۰۹ق)، شرح المقاصد، بی‌جا: مطبوعه الحاج محرم افندی.
- جی استیل، برنت (۱۳۹۲)، امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل، ترجمه دهقانی فیروزآبادی، جلال، رستمی، فرزاد و قاسمی، محمدعلی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حاتمی، محمدرضا (۱۳۸۹)، «بررسی و نقد مبانی مشروعیت حکومت از دیدگاه اهل سنت» دانشنامه، دوره ۳، ۱(۷۵)، بهار.
- حسینی مرعشی شوشتری، سید نورالله (۹۰۹ق)، احقاق الحق، ج ۹، بی‌جا، بی‌نا.
- دل روشن، مهدی (۱۳۹۵)، جمعیت شیعیان و اهل تسنن در خاورمیانه (اینفوگرافیک)، خبرگزاری شیستان، شناسه خبر ۵۵۵۱۸۳.

رستمی، فرزاد و غلامی حسن آبادی، مسلم (۱۳۹۴)، «امنیت هستی شناختی و استمرار مناقشه هسته‌ای ایران و غرب»، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره چهارم. شماره اول، بهار، صص ۱۶۶-۱۳۵.

رضایی، علیرضا و حشمتی، امیر (۱۳۹۵)، «نئوتروریسم با تأکید بر تروریسم مذهبی»، فصلنامه جیل‌المتین، سال پنجم، شماره ۱۴، بهار، صص ۶۸-۴۶.

رضایی، علیرضا و حشمتی، امیر (۱۳۹۸)، «تأثیر ناامنی هویتی بر گسترش نئوتروریسم در خاورمیانه با تأکید بر ایران و عربستان»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۲، شماره ۴۵، بهار، صص ۹۳-۶۱.

شفیعی سروستانی، اسماعیل (۱۳۹۱)، دانشگاه سرزمین‌های درگیر در واقعه شریف ظهور، جلد دوم (عراق، عربستان و یمن)، تهران: موعود عصر (عج)، چاپ دوم، به نقل از سایت راسخون (۱۳۹۸)، برگرفته از

<https://rasekhoon.net/article/show/831709>

فیض کاشانی، محسن (۱۴۰۱ق)، تفسیر الصافی، ج ۲، بی‌جا: بی‌نا.

عسقلانی، ابن حجر (۱۴۱۵ق)، الإصابه، ج ۱، بی‌جا.

علی بن حسین موسوی بغدادی، سید ابوالقاسم معروف به سید مرتضی (۱۴۰۵ق)، رسائل، ج ۲، بی‌جا.

لطیف حسن (۱۳۹۰)، دایرةالمعارف احزاب در عراق، ترجمه سیدعدنان محقق، تهران: دانشگاه امام صادق.

معموری، علی (۲۰۱۴م)، هژمونی اکثریت، حذف اقلیت‌ها از خاورمیانه، بی‌بی‌سی، برگرفته از نشانی:

http://www.bbc.com/persian/blogs/2014/11/141118_144_nazeran_middle_east_ethnic_maginalization

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹)، پیام قرآن: روش تازه‌ای در تفسیر موضوعی قرآن، جلد ۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

Giddens, Anthony (1991), **Modernity and Self-identity Self and Society in the Late Modern Age**, California: Stanford University Press.

Giddens, Anthony (1984), **The Constitution of Society: Outline of the Theory of Structuration**, California: University of California Press.

- Hughes, Aaron (2013), **Muslim Identities: An Introduction to Islam**. New York: Columbia University Press.
- Jacobson , Jessica, (1998). **Islam in Transition**, London: Routledge.
- Nasr, Seyyed Hossein (2019), Ali, Encyclopædia Britannica Online. Available from: <https://www.britannica.com/biography/Ali-Muslim-caliph>. Accessed April24.
- O'Neill, B. (2001), **Honor, Symbols and War**, Ann Arbor, Michigan: University of Michigan Press.
- Pfiffner, James (05/11/2010), US Blunders in Iraq: De-Baathification and Disbanding the Army. *Intelligence and National Security*. 25 (1): 76–85. doi:10.1080/02684521003588120. Retrieved 16 December 2013.
- Pew (02/04/2015), The Future of World Religions: Population Growth Projections, 2010-2050, available: <https://www.pewforum.org/2015/04/02/middle-east-north-africa>.
- Pew (27/01/2011), The Future of the Global Muslim Population, available: <https://www.pewforum.org/2011/01/27/the-future-of-the-global-muslim-population>.
- Rapaport, David C (12/10/2014), The four waves of modern terror: International dimensions and consequences. Available from: https://www.researchgate.net/publication/286896869_The_four_waves_of_modern_terror_International_dimensions_and_consequences
- Steele, Brent J, (2008), **Ontological Security in International Relations: Self-identity and the IR state**, London: Routledge.
- Withnall, Adam, (2016), The distribution of Shia & Sunni Muslims in the Middle East (map), **Independent**, 5 January .